

"شکر آفتاب که در ایران گریه باشد که اورا کرم آدم فرک سانه  
 بعضی صوابها که مویها مایه سینه یعنی بوی غریب و محو و طاقت  
 لذت آنرا دستشام سرد ، این کرم آنرا را انور نظر میگردد همه آنها را می بیند  
 گاهی در آنرا نفوذ میکند و نیز میزد و در راه بی اثرمانه - در طرف آن  
 رئیس آنرا ، ممان آن آنها رقت آنرا زیر میاید ، آنها را بر علیه  
 این مردان مکرر میکند . خلاصه اینخوان را تا آخر عمر هر روز مار سرها دنبال  
 میکند ، تا اورا بگردد کشته از مار بینه اورد .  
 محمد تقی خان هم دنبال می باشد در لاجب لطافت لا معلوم کرده  
 از آن وقت بی اورا گرفته

تلفه " بقای انیک " در تاریخ بقای نر فک کللی است .  
 اغلب رؤس و مروجل اخوند و دیهیز یعنی از آنان هستند که  
 کرم آدم فرک آنرا را می گریه باشد ، با در آنها هستند که نیر آن  
 کرم مانده و سیاق آن کرم است





جلد دوم سبک‌شماره

نادرالدوله شاه (۱۲۱۱-۱۲۱۳)

سال ۸۵

دولت‌شاهی تحت ۱۲۹۴

پیرمحمد شاه است - شهر بسیار با جمع دارد و باران و زلزله آمدگی است

۳۷۴

باید که اروپا بسیار آشنایی

سوغاتش را موقوف است - دولت با اروپا سفیر بعبادت دولت خود

دولت با مارتدان است - سفیر نامه از دولتش از سوی حاکم

دارد که سلفه او را برساند

دینار آقاخان کرمان در ۱۷ صفر ۱۲۱۴ قمری با دولت در

تبریز با فتح احمد و دینار عثمان خیر السلطنه است

محمد علی سزایی و عهد کرده است؟

۳۷۴



چار سالگیه با ازین روزن امریگر خزان ایران شروع شد  
درین سال کجلائی. بعد از قتل ناصرالدین شاه خزان واقع گشته

داین در معر نظیرالدین شاه بی ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴

« داین دور جرای در قلع ایران مائنه ربا در پیش دایم

اخر در املا سول. صل المین در مکه دمر بمراد دعای واد طنا

از صلح دم نموده. نوشته استقادی سلا در داخل ایران و قلع

از قبل رساله مجیدیه در سال ۱۳۱۴ ملک و قاتون ملک در لندن

کتاب کالف در قالات آهونه رابع منرا اتمصل در قفقاز و

ملائقوالدین تبرکی در قلعس آغاز گشته. در دور نظری

انتقاد استخرج کرده و رسیده و رگوده. جمله شما منرا داین دور

در برامه صول جل المین در پیش در مائنه آغاز شده. این السلطان

ماین الدوله در دریا دودنه ساسا نکس دادنه و در قلع بم

قالات جراه گوشه دکنه انده سه بنده را با راسته

۱- نوشته بر در آن روزها علم هر خانی خزان تربیت شد بعد املا سول کمال

طیلم سیکشن

امین الدکان بیتر در سال ایران سال خارج می لفظ در ... در ...  
لورد در ... در ... قرار می داده

-----  
سروطه از این مباحثه ظهور کرد و انقلابی بزرگ نزد آمد  
از نظم و شر بر پا کرده که نمودن سال که آن انقلاب بزرگ در ... است

(۱۰۴ و ۱۰۵)

سر از انقلاب سروطه « لغات خاصه در ... لغات ...  
خارج از این تاریخ دارد در زبان فارسی می شود » (۱۰۴)

« سر از اعلام سروطیت در ۱۲۴۴ ...  
دانشه برای ... انقلاب ادبی ... در ...  
تکمیل ... از ... و ... در ... »

(۱۰۴)



"محال است محضی بر یک زبان بگذرد و تقریبی در آن زبان بماندند، مثلاً  
 با به رعایت یک چیز بود در آن فقط با به دوام دیگر زبان است  
 که در همین آزاد رفتی باستی از آن تعدد نکرد یعنی با به برودند  
 حق درسته با به هر طریقی که هر سینه و یا بر لفظ که قصص آن  
 همانند اداها است قلمی خود را نشان دهنده و صدی بر دست و پای او  
 نماندند. مثلاً از این طریقی بر طریقی دیگر و از حیث معنی لغت از طریقی  
 فرنگستان و پیوسته دیگر است با به معنی آید و تا آنکه عمودی در  
 فقط در حالت لغات آردی نماندند قواعد صرف و نحو محرم شوند"

۴۰۸

بار سنگین <sup>در است</sup> شرفها در قلمه انتقال سالها  
 در معنی نماندند ماضی در ضمها از آنها آفریدگی که در  
 بر افتاد روی را بگذرانند. ضایقه در این احوال برقی ماضی که در  
 ماضی و جی غلط فارسی چه است است این گونه را می بیند.

۴۰۸

«از دار معتمد الدوله «گنجینه معتمد» است که هر از هر گنج جمع اوردن کرده  
و دو بار یکبار سه بار است. فی ط در سنه ۱۲۴۴ قمری زمانه

«ما در بیات را از جنبه صفت با تمام ملاحظاتی که در آن و  
کافی با این چیزیم و قضایات کنیم نه آنکه ادب است مدلم را  
حباب روزگار ما که در آن زلفت یکیم که نفس قرار دم  
در عرق خود ایستیم که دولت و قدرت در دست شاه و بنجا و ملاحظاتی  
دین در کار گردمان و در زانو بودیم تا چار ادا و شوائبی که منقود است  
زنگی که در دهرمانه کرده است ما که در این جزو حسن بی زردمان  
دیروز از دست آمدیم که در زندان است»

«بمخزن در دیوار دنگدستی بسبب عدم تدبیرش که مردم زندان استن باز  
روزی صفت، تا گزری با این صفت خود را نورد اعیان وزیر طمان  
عرضه بر آن چه در آن مکانه آزار بود که این صنایع حقیقت دارد»

۲۲۹



طردم سبک شناسی

تجدید ادبی

رستاخیز نوی و وزیر از دستاخر نثری بویج پیوست .. از عهد کرم حال  
 جسم بر آن گفته که سبک بندی را بسبب عراقی بدل ساخته .  
 در دوره فتحعلی شاه قاجار هم همین را که رئیس آمان فتحعلی خانی  
 صاحبک التواء را که سبک عراقی را بسبب عراقی بدل ساخت  
 در پیش شاهنامه فرمود که تا آن نیت است سابقین دو کتاب  
 نزدیک "عداوت نامه" و "هفت نامه" و که یکدیگر با هم  
 گلشن صبا بیست و چهار - تا نوس لب القاط تا سیم را اولاد  
 شرف است و یکی خاص با طمطراق و مینمونه لاجورد و قاف آنی در محرو  
 هر دو است بتدریج سبک صبا را اصلاح کرده و بسبب خاتمانی  
 دستنویس و بعضی در زلف نزدیک ساخته و در عصر مافوقی محمد علیخان  
 سوش محمد خانی ملک التواء فتح اله خان سبانی و سایر - تا آج التواء  
 اصنافی سبک خراسانی را داشته ساخته در غزل بسبب صراط و سبب



در وصفاً مکتوبه که ما را پیش گرفته و این در بیان در تاریخ ظهور نظم بندگی

به تفصیل گفته خواهد شد  
۲۴۹

تأمین مقام در سنه ۱۱۹۳ متولد شد او سر میرزا امین معروف  
بمیرزا بزرگ تأمین مقام است که وزارت عظمی میرزا  
نایب السلطنه را عهد دولت و قائم مقام آنی محاسن در بیان  
مجلس بودت . میرزا ابوالقاسم قائم مقام محاتوایه عیسی میرزا  
و نادر اس و دقتر و لعمریه در زمان مرد بر او کتبت یعنی چه نورا  
لیکن تأمین مقام کوانت سلطنت برید . تأمین مقام در ضمن آن  
صدقات یک ل بیس رسداری تا آن زمانه دلی از آنکه ایران را نظم  
دگرگون کنان را نام کرد تا بیخ صفوا ۱۲۵۵ قمره تا بیخ گاجاری  
که محل سلاطین حاتوایه سلطنت افشار کرده و در رضای او قرار برین  
امکنه با نکر دن دستمال در طلق حقه سابقه و صابزه این را بیان  
در هفتی عبد العظمی کبر سوزی . خواهر عیسی میرزا نایب السلطنه زن  
تأمین مقام بود

جلد سوم سبک‌شناسی

رستاخیز یا بازگشت ادبی

در سنه ۱۳۱۰ نوشته در این باب فصل ششم در انجمن ادبی سخنرانی کرد  
که ۴ ماه طول کشید و حاصل آنرا در روزنامه (بازگشت ادبی) صدر اقبال  
سال ۱۳۱۰/۱۱ منتشر نمود و در لغات تاریخ ادبی علاوه آن را بدون ذکر نام  
حقیر در کتب خود گفته است به تبع کوزه .

۳۱۸

مهرزاده آیدین خان کات

دارای اشعار بسیار نخبه و زیبا " و اگر خرابی یک غزل که مطلع آن است  
طاعت از دست نیاید نهی بیه کرد + در دل دوست هر چه در من باشد کرد  
در هیچ ندانم راه بزرگی و عفو مقام شعر او گمانی بود و حال

آنگاه قصاید و تمزید - لطیف بسیار دارد

۳۲۲

۵۱۰  
۱۱۹  
۲۰۵  
۱۷۹